

## بخش اول / ۱

### ۱-۱ مقدمه :

کتاب گلستان یکی از زیباترین کتاب‌های نثر فارسی است که در طول تاریخ ادبیات ایران همواره به عنوان میزایی برای سجع‌نویسی مطرح بوده و به‌عنوان اثری که سهل و ممتنع است همواره دست نیافتنی باقی مانده است.

بعد از تألیف کتاب گلستان ( قرن هفتم ) تا زمان حاضر همواره نویسندگانی سعی کرده‌اند به استقبال این کتاب عظیم بروند تا شاید نامشان در بین انبوه سجع‌نویسان مرئی سعدی ثبت شود و تمام این‌ها غیر از افرادی است که در تکلم‌های خود در مقام خطیب و ... برآند که همچون جملات موزون و مسجع گلستان، کلام خود را در دل و جان مخاطبان بنشانند و از این رهگذر در صف مقلدان سعدی جای گیرند.

اما در میان کتاب‌های انبوهی که در زمینه‌ی تقلید از گلستان نگارش شده است - همچون بهارستان جامی، پریشان قانی، نگارستان معینی و ... نام کتاب روضه‌ی خلد - تنها اثر بر جای مانده‌ی مجد خوافی - غریب مانده و تنها افتاده است به گونه‌ای که حتی برخی دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی در طول چهار سال از تحصیل خود حتی یک بار هم نام این کتاب را نشنیده و با مؤلف آن آشنا نمی‌شوند.

تنها ماندگی و غریب افتادگی این کتاب و ارزش ادبی آن بنده را بر آن داشت که با راهنمایی و ارشاد دلسوزانه استاد ارجمند جناب دکتر وفایی، این خسران را تا حد وسع جبران کرده و گرد غریبی را از صفحات آن بزدایم و امید آن دارم که مخاطبان

این تحقیق، این بضعه مزجات را با اغماض قبول کرده و با بزرگ منشی پذیرش نمایند.

## ۲-۱-اهداف:

در میان آثار متعدد زبان و ادبیات فارسی که شمارش آن‌ها خود نیز کار مشکلی می‌باشد همواره آثاری وجود داشته که حکم قله‌های ادبیات را دارند و آن‌قدر شهره و زبانزد هستند که گویی نام تمام ادبیات ایران را یدک می‌کشند. به راستی اگر در نزد هر فرد ایرانی یا غیر ایرانی سخنی از ادبیات فارسی بشود، خیلی سریع ذهن آن فرد به سراغ همین قله‌های ادبیات می‌رود؛ آثاری که هم در حوزه‌ی نثر و هم در حوزه‌ی نظم نمونه‌های بارز دارند. امروزه آثاری چون شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ، مثنوی معنوی، بوستان و گلستان سعدی، خمسه نظامی و ... به عنوان ادبیات فارسی شناخته می‌شود و در هر جای دنیا پیش هر ادب دوستی نام ادبیات فارسی برده شود بی گمان او به سراغ آثاری از این دست می‌رود.

قامت بلند این آثار ادبی به حدی است که دیگر آثار را تحت الشعاع محض خود قرار داده به طوری که دیگر آثار گاه فقط در دانشکده‌های ادبیات بازخوانی می‌شود و گاه حتی این توفیق را نیز نیافته و گرد فراموشی کلی روی آن‌ها می‌نشیند. حال آنکه شاید بزرگترین ضعف این آثار فراموش شده یا تحت الشعاع قرار گرفته این باشد که همجوار آثار بزرگی قرار گرفته‌اند که سایه‌ی بزرگی آن‌ها بسیار سنگین است و اگر اینگونه نمی‌بود که در ادبیات ایران بزرگ‌مردانی چون فردوسی و حافظ و سعدی و

مولوی و نظامی و ... وجود داشتند، بی‌شک نام آن‌ها به فراموش خانه‌ها سپرده نمی‌شد.

در این میان یکی از آثاری که تنها به علت قرار گرفتن در کنار یکی از این قله‌های ادب فارسی نامش برده نمی‌شود کتاب روضه خلد است.

کتابی که مجد خوافی در قرن هشتم و به تقلید از گلستان سعدی آفریده و با وجود ارزش‌هایی که دارد تنها به علت اینکه در جوار نام بزرگ کتاب گلستان قرار گرفته است، آنچنان م‌هجور و دور افتاده که حتی در دانشکده‌های ادبیات نیز نامی از آن برده نمی‌شود و در کتب تاریخ ادبیات یا تذکره‌ها نیز اگر اشاره‌ای به نام کتاب یا مؤلف آن شده باشد خیلی مختصر بوده به گونه‌ای که نیاز هیچ جوینده‌ای را برطرف نمی‌کند. در این میان اگر زهی بود اهتمام آقای محمود فرخ که به چاپ و تصحیح این کتاب اقدام کرده است، دسترسی به این کتاب از این هم دشوارتر و سخت‌تر می‌شد. در این تحقیق با ارشادهای آقای دکتر وفایی سعی شده ضمن مقایسه این کتاب با کتاب گلستان سعدی و ذکر برخی نقص‌ها و کاستی‌های آن - البته در مقایسه با کتاب گلستان - به طور تلویحی کتاب را معرفی کرده و در این راه قدمی کوچک برداریم. روش کار بدین صورت می‌باشد که هر دو کتاب را در سه بخش سبکی، محتوایی و زبانی با یکدیگر مقایسه کرده‌ایم.

در بخش سبکی موضوعاتی همچون سجع، آمیختگی، نظم و نثر، بکارگیری آیات و احادیث و کلمات عربی، اختصار و ایجاز و ... را در دو کتاب مقایسه کرده ایم. در بخش محتوایی هدف و روش کار هر دو نویسنده را مقایسه کرده و حکایات تاریخی،

اخلاقی و تعلیمی را بررسی کرده ایم . سپس باب‌هایی از دو کتاب که از لحاظ محتوا و عنوان مشابه هم بوده اند را مقایسه کرده و نمونه هایی از حکایات مشابه را آورده‌ایم و بعد از آن حکایاتی را از کتاب روضه‌ی خلد ذکر کرده‌ایم که به نظر ما تقلیدگونه‌هایی از کتاب گلستان بوده است.

در بخش زبانی نیز معیار کار را کتاب سبک‌شناسی نثر مرحوم بهار قرار داده‌ایم به این صورت که مواردی را که مرحوم بهار به عنوان مختصات زبانی کتاب گلستان ذکر کرده‌اند را آورده و نمونه‌هایی از این گونه مختصات را از کتاب روضه‌ی خلد بیان کرده‌ایم.

اما آنچه بیانش ضروری به نظر می‌رسد این است که چون میزان و معیار این مقایسه کتاب گلستان سعدی بوده است به ناچار در طول تحقیق هر جا در کتاب روضه‌ی خلد با ضعف و کاستی نسبت به کتاب گلستان برخورد کردیم با ذکر مثال آن نقطه‌ی ضعف را بیان کرده و نشان داده‌ایم که این کتاب نیز مانند دیگر کتب نگارش یافته به تقلید از گلستان، با خود گلستان فاصله‌ی زیادی دارد. مسلماً بیان این نکته دلیلی بر رد کردن کتاب روضه‌ی خلد نبوده و ارزش‌های این کتاب را نمی‌کاهد اما به ناچار وقتی پای مقایسه با کتاب گلستان به میان می‌آید باید به این کاستی‌ها در مقابل قامت بلر گلستان اشاره کرد.

به امید آنکه این تلاش مختصر گامی کوچک باشد در معرفی این اثر غریب افتاده.

### ۳-۱ گلستان سعدی در نگاهی اجمالی

کتاب گلستان سعدی به زعم اکثر ادب دوستان زیباترین کتاب منثور فارسی می باشد کتابی که ابعاد وجودی و شخصیتی آن استاد سخن را به ما می نمایاند و به قول آقای حسین استاد ولی « اگر این کتاب عظیم نمی بود بیش از دوسوم شخصیت سعدی از دیدگان ما پنهان می ماند »<sup>۱</sup>

سعدی در این کتاب یک استاد مهربان تربیت و اخلاق است او تجربیات زیاد سفرهای طولانی خود را همراه با نبوغ سرشار خود آمیخته و معجزه‌ی از نصایح شیرین را در قالب زیباترین حکایات به ما عرضه کرده است. به گونه‌ای که هیچ ابروانی بعد از شنیدن این نصایح حکیمانه ترش نمی‌شود و در عوض شیرینی این حکایات برای همیشه در جان‌ها باقی خواهد ماند.

اما از خصوصیات محتوایی گلستان که بگذریم، نبوغ سرشار سعدی در علم معانی و بیان، و فصاحت و بلاغت گلستان به حدی است که با خواندن تنها صفحه ای از این کتاب دیگر رها کردن آن و به سراغ کار دیگری رفتن عذابی دردآور می‌باشد. ابعاد مختلف و متنوع کتاب گلستان هر کس را با هر سلیقه پای صفحات خود نگه می‌دارد و هر کس از ظن خود یار این کتاب می‌شود. اساتید اخلاق مشتری دائمی حکایات اخلاقی و تربیتی شیخ هستند، خطیبان، سخنوری سعدی را نصب العین خود قرار می‌دهند و معلمان معانی و بیان با وجود این کتاب دیگر به سراغ کتاب دیگری برای شاهد و مثال‌های خود نمی‌روند.

---

۱ - استاد ولی، حسین، گلستان شیخ شیراز سعدی، انتشارات قدیانی، چاپ چهارم ۱۳۶۸، ص ۷

به هر طریق کتابی را که سعدی در سال ۶۵۶ هـ . ق ترتیب داد به سرعت شهرتی عظیم یافت و هر کس تلاش کرد که با تالیف اثری به استقبال این کتاب برود تا شاید همچون سعدی مقبول واقع شود و صیت و آوازه‌ای بیابد. یکی از تلاش‌هایی که در این زمینه و تنها حدود ۴۰ سال بعد از روزگار سعدی انجام شده است کتاب روضه‌ی خلد مجد خوافی، واعظ، شاعر و نویسنده‌ی قرن هشتم می‌باشد.

#### ۴-۱ روضه خلد مجد خوافی در نگاهی اجمالی

کتاب روضه‌ی خلد که موضوع این تحقیق می‌باشد کتابی است که مجد خوافی آن را در سال ۷۳۳ به تقلید از گلستان نوشته است.

مؤلف که واعظ و منبری بوده شهر به شهر می‌گشته و با منبر رفتن روزگار می‌گذرانده است. سرانجام بعد از ۲۰ سال مسافرت و دوری از وطن مألوف، به خواف زادگاه خویش بازمی‌گردد اما نه به نیت منبر رفتن و وعظ گفتن بلکه این بار قصد وی گوشه‌نشینی و عزلت بوده است:

« با خود گفتم: بعد از این گوشه‌ی طاعتی گیریم و به توشه‌ی مجاعتی قناعت کنم و

مابقی عمر در خلوت باشم و از خلق در سرلوت»<sup>۱</sup>

اما این نیت سعدی‌گونه‌ی مجد خوافی مجال زیاد نمی‌آورد و ناگاه دوستی به سراغ وی می‌آید:

---

<sup>۱</sup> - خوافی، مجد، روضه خلد، مقدمه و تحقیق محمود فرخ، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۸۲،

« ناگله دوستی درآمد و عنانم بگوفت و از سر اخلاص نصیحت گفت : که هر حرکتی را جهتی است و هر جهتی را انتهایی که بعد بی‌نهایت موجود نیست و حرکت بی‌غایت محمود نه. »<sup>۱</sup>

بعد از کمی کشمکش بالاخره مجد خوافی مجاب می‌شود و روزی که به همراه دوستان به بوستانی می‌رود، فردی گلستان سعدی می‌خواند، او هم طبع را بدان مایل می‌بیند و در کمتر از دو ماه کتاب روضه‌ی خلد را تالیف می‌کند . این کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و هجده باب که مؤلف آن را در سال ۷۳۳ تمام کرده است.

کتاب روضه‌ی خلد نسبت به کتاب گلستان از نظر کمی، گسترده‌تر ولی از لحاظ کیفی ضعیف‌تر می‌باشد. اگرچه تعداد ابواب این کتاب نسبت به کتاب گلستان بیشتر می‌باشد و حجم مطالب نیز گسترده است لیکن ظرافت های کتاب گلستان را ندارد . ما در این تحقیق به معرفی بیشتر این کتاب خواهیم پرداخت .

## ۵-۱- سعدی و آثار او

افصح المتکلمین مشرف ( شرف ) الدین مصلح سعدی شیرازی نه تنها یکی از بزرگترین اساتید زبان فارسی در ایران است بلکه از بزرگترین سخن‌سرایان جهان محسوب می‌شود به گونه‌ای که در سراسر جهان معدودند کسانی که بتوانند با او

---

<sup>۱</sup> - همان ص ۵

همسری کنند. شهرت او در ایران کم‌نظیر است و در خارج از ایران نیز تمام ادب دوستان یا با نام او آشنا هستند و یا اثری از او را مطالعه کرده‌اند. اما متأسفانه از زندگی این شخصیت بزرگ ادب فارسی چنان که باید و شاید اطلاعات دقیقی در دسترس نمی‌باشد. این فقدان یا به این علت است که ما ایرانیان در ثبت احوال بزرگان خود مسامحه و سهل‌انگاری می‌کرده ایم و یا علت آن شاید خود سعدی بوده باشد که در پروردن نکات حکمی و اخلاقی، حکایاتی ساخته و خود را در آن‌ها دخیل کرده است که بعدها دستمایه‌ی تاریخ‌سازی برای خود شیخ شده اند. شاید افسانه‌سازی ایرانیان برای شخصیت‌های محبوبشان علت این چندگانگی در تاریخ زندگی سعدی شده باشد.

اما قول مقبول‌تر در مورد وی به شرح زیر می‌باشد.

### الف : ولادت سعدی

یکی از موارد اختلاف نظر در مورد سعدی تاریخ ولادت این شهیر آسمان ادب است. در هیچ مأخذی، تاریخ دقیقی از زمان ولادت سعدی ذکر نشده است. اما آنچه اکثر سعدی‌پژوهان به آن استناد می‌کنند سخن خود شیخ در کتاب گلستان می‌باشد که برای رسیدن به سال ولادت سعدی کمک بسیار مفی دی است. سعدی در مقدمه گلستان چنین می‌آورد :

« هر دم از عمر می‌رود نفسی  
چون نگه می‌کنم نماند بسری

ای که پنبجاه رفت و در خوابی  
مگر این پنج روزه دریابی

خجل آنکس که رفتار و کار نساخت  
کوس رحلت زدند و بار نساخت»



همان طور که در این قسمت مشخص است، این ابیات در غم از دست رفتن ۵۰ سال عمر استاد سروده شده است؛ وقتی این قسمت را با دو بیت زیر که در مورد تاریخ تألیف گلستان است:

« درین مدت که ما را وقت خوش بود      ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود

مراد ما نصیحت بود و گفتیم      ح‌والت با خدا کردیم و رفتیم »

تطبق دهیم بدین نتیجه می‌رسیم که سعدی در سال ۶۵۶ هجری قمری حدود ۵۰ سال داشته و در این سال گلستان را نوشته است حال اگر ۵۰ سال را از سال ۶۵۶ کم کنیم سال ۶۰۶ هجری قمری به دست می‌آید که تاریخ تقریبی ولادت سعدی است.

#### ب : خانواده سعدی

سعدی همان گونه که خود اشاره می‌کند در میان خاندانی که تمامی آن‌ها عالمان دین بوده‌اند م‌تولد شده است.

( همه‌ی قبیله‌ی من عالمان دین بودند      مرا معلم عشق بق شاعری آموخت )

پدرش از ملازمان اتابک سعد بن زنگی بوده است و این نکته‌ای است که دولت‌شاه در

تذکره الشعرا به آن اشاره می‌کند ( تذکره الشعرا ص ۲۲۳ )

سعدی از همان دوران کودکی در محضر پدر که در علوم شرعی دستی داشته، شاگردی می‌کند.

« یاد دارم که در ایام طفولیت متعبد بودم‌ی و شبخیز و مولع زهد و پرهیز شبی در

خ‌دمت پدر رحمه الله علیه نخفته بودم و همه شب دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز

در کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته . پدر را گفتم از اینان یکی سر بر نمی آرد که دوگانه بگذارد ... گفت جان پدر تو نیز اگر بخفتی به که در پوستین خلق افتی !<sup>۱</sup> اما این دوران خیلی زود به سر می آید چون پدرش رخت رحلت می بندد و سعدی نوجوان خیلی زود یتیم می شود.

( مرا باشد از درد طفلان خبر ( که در طفلی از سر برافتم پدر )

بعد از پدر نیای مادری، سعدی نوجوان را در کنف حمایت می گیرند و بنابر بعضی اقوال، سعدی در حمایت مسعود بنی مصلح الفارسی پدر قطب الدی ن شیرازی قرار گرفته، مقدمات علوم شرعی را در شیراز فرا می گیرد.

### ج : تخلص

در مورد تخلص شیخ به ( سعدی ) دکتر ذبیح الله صفا چنین می گوید :  
« بنابر اقوال متقدمین<sup>۲</sup> تخلص او به سعدی به سبب ظه و او در روزگار اتابک سعد بن زنگی بن مودود سلغری ( ۵۹۹-۶۲۳ ) و بنا به نظر ابن الفوطی در کتاب

---

<sup>۱</sup> - یوسفی ، غلامحسین ، گلستان سعدی انتشارات خوارزمی ، چاپ هشتم ۱۳۸۷ ص ۸۹  
<sup>۲</sup> - دولت‌شاه در تذکره الشعرا ، میرخواند در حبیب السیر ، آذر در آتشکده ، هدایت در مجمع الفصحا

تلخیص مجمع الآداب به علت انتساب سعدی است به سعد بن ابی بکر بن سعد بن زنگی؛  
و این نظر ثنی مورد قبول غالب محققان معاصر است <sup>۱</sup> «

#### د: نظامیه

همانگونه که بیان شد سعدی مقدمات علوم ادبی و شرعی را در شیراز فرامی گیرد و سپس حدود سال ۶۲۰-۶۲۱ هجری شیراز را به مقصد بغداد برای ادامه تحصیل در نظامیه‌ی این شهر ترک می‌کند و این سالی است که شیراز بر اثر حمله‌ی سلطان غیاث الدین پیرشاه پسر محمد خوارزمشاه در آشفتگی به سر می‌برد.

هانری ماسه در مورد این انتخاب سعدی چنین می‌گوید :

« مدرسه نظامیه در آن هنگام در اوج شکوفایی بود، به علاوه مسافرت از شیراز به بغداد نسبتاً به سادگی صورت می‌گرفت . » <sup>۲</sup>

مؤلف کتاب ( تحقیق درباره‌ی سعدی ) در مورد حال و هوای نظامیه بغداد نیز چنین می‌گوید :

« مدرسه نظامیه در ساحل دجله و نزدیک استحکامات جنوبی بغداد، به نام بانی آن نظام الملک ( وزیر معروف سه پادشاه نخستین سلجوقی ) موسوم شده بود....

---

<sup>۱</sup> - صفا، ذبیح الله، مقاله (سعدی) ص ۳ (برگرفته از کتاب زندگی و شعر سعدی اثر منصور رستگار فسائی)

<sup>۲</sup> - هانری ماسه، تحقیق درباره‌ی سعدی، محمد حسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی، انتشارات طوس، چاپ اول ۱۳۶۴، ص ۲۹

« هنگامی که سعدی از برای تحصیل به نظامیه آمد، مدرسه، از گذشته ای پر افتخار برخوردار بود. تا زمان سعدی، استادان متعدد نظامیه، کتبی در الهیات فقه، تفسیر قرآن تألیف کرده بودند. »<sup>۱</sup>

### ذ : برخی اساتید سعدی

سعدی در بغداد خدمت عبدالرحمن بن الجوزی ( م ۶۵۶ ) را درک کرد و به گفته ی جامی در نفحات الانس سعدی « از مشایخ کبار، بسیاری را دریافته و به صحبت شیخ شهاب الدین سهروردی رسیده و با وی در یک کشتی سفر دریا کرده »<sup>۲</sup>

البته هانری ماسه در کتاب ( تحقیق درباره ی سعدی ) از برخی اساتید نام می برد و احتمال می دهد که سعدی با آنان نیز مراوده داشته و از محضرشان سود برده باشد که در میان آنها بهاءالدین زکریای مولتانی و ابوعلی یحیی بن الربیع بن سلیمان العمری الواسطی قرار دارند که از اساتید نظامیه بوده‌اند.

### س : بازگشت به شیراز

سال‌های نظامیه برای سعدی، سال‌های کسب فیض و معمولات بوده است او بعد از طی مراحل تحصیل سفرهای طولانی خود را به حجاز و شام و لبنان و روم آغاز می‌کند و سرانجام مقارن سال ۶۵۵ به شیراز برمی‌گردد.

<sup>۱</sup> - همان ص ۳۰ و ۳۱

<sup>۲</sup> - صفا، ذبیح الله، مقاله (سعدی) ص ۶

او در مراجعت به شیراز در شمار نزدیکان سعدبن ابی بکر بن سعدبن زنگی در آمده  
اما هیچ گاه یک شاعر در بیری نمی شود و در عین مدح پادشاهان دربار سلغری و  
عده‌ای از رجال شیراز و خارج شیراز، آزادانه می زیسته و در رباط شیخ کبیر شیخ  
ابوعبدالله خفیف با حرمت بسیار زندگی می کرده است.

ش : آثار سعدی

آثار سعدی به دو دسته‌ی منظوم و منثور تقسیم می شود :

آثار منظوم

- ۱ - سعدی نامه یا بوستان که منظومه‌ای در اخلاق و تربیت و وعظ و تحقیق است  
و در ده باب نوشته شده است.
- ۲ - قصاید عربی ( حدود ۷۰۰ بیت )
- ۳ - قصاید فارسی
- ۴ - مرثی
- ۵ - ملمعات و منثئات
- ۶ - ترجیعات
- ۷ - طیبیات
- ۸ - بدایع
- ۹ - خواتیم
- ۱۰ - غزل قدیم

## آثار منثور

- ۱ - مجالس پنجگانه که به شیوه‌ی مجالس صوفیان و مذکران ترتیب یافته است.
- ۲ - رساله در پاسخ صاحب دیوان
- ۳ - رساله در عقل و عشق
- ۴ - نصیح‌ه الملوک
- ۵ - گلستان که سعدی آن را در سال ۶۵۶ یک سال بعد از تألیف بوستان تألیف کرده است .

## ص : وفات سعدی :

وفات سعدی را در منابع گوناگون به سال‌های ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۴، ۶۹۵ نوشته‌اند.<sup>۱</sup>

## ۶-۱ مقلدان گلستان

آقای محمد تقی بهار در مورد شهرت زیاد گلستان و کتاب‌های تقلید یافته از آن چنین می‌گوید:

« بعد از سعدی به‌طوری گلستان مورد توجه عام و خاص قرار گرفت که یکی از کتب

درسی و عمومی زبان فارسی شد و در قرن هشتم و نهم خاصه عصر تیموریان

---

<sup>۱</sup> - رستگار فسائی، منصور، مقالاتی درباره‌ی زندگی و شعر سعدی، انتشارات امیر کبیر چاپ اول ۱۳۷۵، مقاله اول

گروهی از خوشنویسان هرات و خراسان وقت خود را به نوشتن گلستان می‌گذرانیده‌اند، نسخ نویسان دوره‌ی بایسقر میرزا چندین نسخه‌ی گلستان به اسم « یاقوت مستعصمی» خطاط معروف عصر سعدی نوشتند و از آن نسخه‌ها هنوز هم در دست است، و گلستان تا امروز در ایران و هند از کتب درسی زبان فارسی است. این حسن شهرت موجب آن آمد که جمعی از نویسندگان فاضل به تقلید از گلستان برخاسته، در ایران و عثمانی و هند کتاب‌ها بدان شیوه نوشتند که معروف‌تر از همه نگارستان معینی جوینی، بهارستان جامی و پریشان قآنی شیرازی<sup>۱</sup> بود.»

هانری ماسه نیز درباره‌ی کتاب‌های نگارش یافته به تقلید از گلستان چنین می‌گوید: « اما به خصوص تقلید کنندگان گلستان، چندین تألیف آمیخته از نثر و نظم به وجود آورده‌اند که جزء بهترین کتاب‌ها به‌شمار می‌آید.

در قرن پانزدهم میلادی ( قرن نهم هجری ) جامی کتاب بها رستان را به تقلید از گلستان نوشت. - بهارستان در مشرق زمین کتابی تعلیمی و از نظر اعتبار فقط از گلستان عقب‌تر است - در سال ۱۶۱۶ م / ۱۰۲۵ هـ . ق. ملا طرزی کتاب معدن الجواهر را - که مجموعه ای از حکایات اخلاقی به سبک گلستان است . به نام جهانگیر، امپراطور هند، نوشت؛ در سال ۱۶۵۳ م / ۱۰۶۳ هـ . ق. محمد شریف کاشف د ر تصنیف کتاب خزان و بهار خود از گلستان پیروی کرد درحالی که قبلاً سراج‌المنیر را برای جوانان با الهام از گلستان نوشته بود . کتاب‌های دیگری نیز بعد از این‌ها نوشته شد که به تقلید از گلستان بود.

<sup>۱</sup> - بهار، محمد تقی ، سبک شناسی . کتابهای پرستو ، انتشارات امیر کبیر جلد سوم ص ۱۵۵.

نگارستان معنی؛ سنبلستان اثر هوگوپال منشی و گلشن راز محمود شبستری؛ در سال ۱۸۷۵ م. / ۱۲۷۳ هـ. ق. نیز احمد وقار شیرازی انجمن دانش را در تهران نوشت. در همان اوان قآانی - که بعضی وی را حافظ ثانی می نامیدند و از سعدی بلاتر می دانستند - این سنت را با تألیف پریشان ادامه داد.»<sup>۱</sup>

در میان کتاب‌هایی که هانری ماسه و محمدتقی بهار نام برده و آن‌ها را به‌عنوان آثار تقلیدی شده از کتاب گلستان معرفی می‌کنند، نامی از کتاب روضه‌ی خلد مجد خوافی دیده نمی‌شود کتابی که از قدیمی‌ترین کتاب‌های نگارش یافته به تقلید از گلستان است .

#### ۷-۱- مجد خوافی و روضه‌ی خلد

یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌هایی که به تقلید از گلستان و تنها ۴۰ سال بعد از روزگار سعدی تألیف شده است کتاب روضه‌ی خلد تنها اثر برجای مانده‌ی مجد خوافی ، شاعر و نویسنده‌ی قرن هشتم هجری می‌باشد . دکتر ذبیح الله صفا در کتاب گران سنگ تاریخ ادبیات در ایران در مورد وی می‌نویسد:

« مجد خوافی در نظم و نثر پارسی استاد بود و علاوه بر مجموعه اشعار ترجمه منظومی از جواهر اللغه زمخشری و کتاب دیگری به نام کنزالحکمه دارد. مجد کتابی به تقلید از گلستان سعدی و بر همان شیوه نوشته است موسوم به « روضه‌ی خلد» و

---

۱ - تحقیق درباره‌ی سعدی.. ص ۳۴۱.



آن را به سال ۷۳۲ به پایان رسانیده و بار دیگر در سال ۷۳۷ در آن تجدید نظر کرد.<sup>۱</sup>

آقای محمود فرخ که به چاپ کتاب اهتمام ورزیده است در مورد آن می‌گوید:  
« در ۴۷ سال پیش ( ۱۹۱۱ میلادی) کتابی پر از اغلاط و سقّات به نام خارستان در کانپور هند چاپ شده که معلوم شد همین روضه ی خلد است و شاید انتخاب نام خارستان هم برای آن کتاب به علت اغلاط زیاد اوست وگرنه تاکنون هیچ مبنایی برای این تسمیه خلاف نص نیافتم»<sup>۲</sup>

وی در مقدمه‌ای که بر کتاب روضه‌ی خلد نوشته چنین می‌آورد:  
« اولین بار که این بنده به نام این کتاب و مؤلف آن برخوردیم در روضات الجنات فی اوصاف بلده‌ی هرات تألیف معین اسفزاری بود که دو نسخه خطی آن در کتابخانه ی آستان قدس موجود است.»<sup>۳</sup>

او سپس اشاره‌ای به تفعصات خود درباره‌ی این کتاب و مؤلف آن می‌کند و بعد از ذکر مختصری از روزگار خود، بیان می‌کند که از نسخه‌ای استفاده کرده که یک قرن بعد از تألیف کتابت شده و در نوع خود از جهت کمی غلط کم نظیر است.

---

۱ - صفا ، ذبیح الله ، تاریخ ادبیات در ایران.. جلد سوم ، انتشارات فردوس ، چاپ ششم ۱۳۶۹ ، ص ۱۳۱۹.

۲ - روضه‌ی خلد. صفحه‌ی هشت.

۳ - همان صفحه‌ی پنج.

## الف : ولادت مجد خوافی

در صفحه ی شش کتاب روضه ی خلد چنین آمده است: « من که قریب پنجاه سال در کسب معقول و منقول رنج برده‌ام» این جمله تنها سرنخی است که آقای محمود فرخ به آن استناد کرده و گفته: « و چون این مطلب را در بهار ۷۳۳ نوشته و هفت و یا هشت سال صیقلوت را هم در نظر بگیریم و فرض کنیم در آن موقع قریب ۵۸ سال داشته می‌توانیم به این نتیجه برسیم که [وی] در یکی از سال‌های [مابین ۶۷۵ و ۶۸۰] متولد شده است.»<sup>۱</sup>

## ب : خانواده و ازدواج‌های مجد خوافی

در مورد دوران کودکی و خانواده ی خوافی از کتاب روضه ی خلد مطلبی بدست نمی‌آید اما در مورد ازدواج‌هایش باید گفت که وی نگاه مثبتی به زن‌ها نداشته و اکثر زن‌هایی را که گرفته نکوهش می‌کند تنها زنی که از وی به نیکی یاد می‌کند زنی کرمانی است که چنان که وی می‌خواسته موافق و بردبار و مشفق و خوب دیدار بوده و به دیگران سفارش می‌کند که: « اگر کسی زن خواهد، کرمانی باید خواست.»<sup>۲</sup>

## ج : مذهب مجد خوافی

آقای محمود فرخ در مورد مذهب خوافی چنین می‌گوید :

---

۱ - همان صفحه ی نوزده.

۲ - همان ص ۱۹۰.

« مجد خوافی مسلمانی عادل بود، تا حدی که برای کسانی که هنوز ارتئات تحت تأثیر تعصبات سنی و شیعه هستند گاهی عباراتش در روضه‌ی خلد ایجاد تأمل می‌کند که آیا شیعه بوده یا سنی؟ در صورتی که وی اهل سنت است.»<sup>۱</sup>

با وجود سنی بودن مجد خوافی ولی وی بارها و بارها در حکایات خود از ائمه (ع) یاد می‌کند، به عنوان مثال وی حکایاتی از امام علی (ع)، امام رضا (ع)، امام حسین (ع)، امام جعفر صادق (ع) و امام حسن عسگری (ع) می‌آورد و در تمامی این موارد ارادت خود را به امامان شیعه نشان می‌دهد.

البته در حکایات خود از ابوبکر و ابوحنیفه نیز یاد می‌کند. همچنین نام مشایخ را با احترام خاصی می‌آورد و کراماتی را برای آنها قائل می‌شود، که این امر مسلک وی را که جزء عرفا و صوفیه بوده نشان می‌دهد.

#### د : شغل مجد خوافی

شغل خوافی و عظم و تذکیر بوده و به مناسبت شغل خود مسافرت‌های زیادی داشته، از جمله به جوین، طبس، ابرقو، هرات، یزد، سیستان، کرمان، گرمسیر، عراق، جزیره‌ی جرون ( بندرعباس)، اصفهان، لرستان، بیابان لوط، فارس، جارجم، همدان و مازندران سفر کرده و ره آورد هر سفر را حکایتی در کتاب خود آورده است، خود نیز کتابش را این‌گونه آغاز می‌کند:

---

۱ - همان صفحه‌ی چهارده.

« چنین گوید: مقرر این لطایف و مح‌ررائی صحایف عبد جافی مجد خوافی تاب الله علیه، که چون مدت بیست سال از وطن معروف و مسکن مألوف یعنی ولایت خواف به نواحی و اطراف اتفاق سفر مشاق افتاد...»<sup>۱</sup>

از این سخن وی پی می بریم که سفرهای او بیست سال به طول انجامیده است ؛ در طول این سفرها هرگاه به ولایتی می رسیده منبری می ساخته و بعد از تعلیم اهالی آنجا رهسپار جای دیگری می شده است .

#### ذ : اساتید مجد خوافی

در طی حکایات روضه ی خلد، خوافی از دو استاد خود نام می برد یکی علامه عمادالاسلام « حکایت: از خدمت مولانا عماد الاسلام طلاب ثراه سماع دارم که وقتی خسرو پرویز مترکروار به خیمه‌ی پیرزنی افتاد...»<sup>۲</sup>

« در حضرت استاد جهان علامه زمان عماد الاسلام رحمه الله بودم که جمعی تعداد

لذات می کردند، یکی گفت: هیچ لذت چون قمع دشمنان نیست.»<sup>۳</sup>

و دیگری فصیح الدین خوافی:

« حکایت : در حضرت استاد بزرگوار فصیح الحق والدین طاب ثراه، مصابیح

می خواندم... »<sup>۴</sup>

---

۱ - روضه‌ی خلد ص ۴

۲ - همان ص ۲۶

۳ - همان ص ۵۰

۴ - همان ص ۴۵